تماشاخانه

حاشیه‌ای بر هملت

بر عاشق و نوجو کمان ملامت می‌کشند*

مهدی غبرایی

● بنا نداشتم در مورد فیلم یا تئاتر چیزی بنویسم، هر چند هر دوی اینها از دوران جوانی دوشـادوش ادبیات جزو شـیدایی‌های پابرجای من هستند. اما یک عامل سبب شد صرفا به عنوان دوستدار تئاتر و نه صاحبنظر دسـت به قلم ببرم؛ اینکه از قول کسی شنیدم در شب افتتـاح نمایش «هملت» به کارگردانـی «رضا گوران» عده‌ای از اهالی قلم و تئاتر و سینما به آن خرده گرفته‌اند. البته شـاید بهتر بود به اسـم «هملت» به قول معروف پیرایه‌ای هم می‌بستند و می‌گفتند: «مثلا هملت»، چون نه از پی‌رنگ (plot) هملت خبری بود و نه از داسـتان آن. فقط چند نام برجسـته را از آن برگزیده و پی‌رنگ کم‌رنـگ را بـر پایه آن قرار داده بودنـد. تا آنجا که من فهمیدم (اگر درست فهمیده باشم، چون اعتراف می‌کنم در کشف برخی از نمادهای آن ناتوان بودم و شاید لازم باشـد آن را بار دیگر ببینم) راوی «اوفلیا»ست که مرده اسـت و این همه در ذهن مرده می‌گذرد و بدیهی است هم نمایشنامه و هم اجرا باید غیرعادی و نامتعارف باشد. پس تا اینجا اصل قضیه را پذیرفتیم، حالا باید به دنبال پیداکردن بهانه اصلی نوشـتن نمایش یا عصاره آن بود. باز به زعم صاحب این قلم، شـاه‌بیت نمایش همان بود کـه از زبان عموی «هملت» (با بازی عمدا تخت «آتیلا پسیانی») درباره حفظ ساختار قدرت در درون خانواده به هر قیمت بیان شـد. دیگر چه باک که «اوفلیا»ها و «هملت»هـا در این میانه فدا شـوند. نگاهی به اوضاع امروز جهان این نکته را از روز روشـن‌تر می‌کند، و نکته بعد دشواری زن بودن است که این هم در نمایشنامه و زندگی روزمره آشـکار است و شاید باقی بهانه‌ای باشد برای اینها. نکته دیگری که مایلم اضافه کنم، این است که در آن زمان هم تئاترهای تجربی با مخالفت‌های بسیاری روبه‌رو می‌شـد. خود من شخصا نظر خوشی به چنین کارهایی نداشتم چون افق‌های دیگری را می‌جستم که بماند! حالا دوباره پاگرفتن این شاخه از تئاتر، از یک سو مبارک و میمون است، چرا که ارزش‌های خود را دارد و تماشاگر باید زحمت بکشد تا آن را دریابد. مگر ادبیات «وولف» و «جویس» جز این (جسـت‌وجوی راه‌های نو برای بیان هنری) کاری کرده‌اند؟ یا مگر چشم معتاد به نقاشی رنسانس که خیلی زحمت کشید تا «ونگوگ» و «گوگن» را درک کند، تازه از دیدن آنها فارغ نشـده با امثال «پیکاسو» و «موندریان» و «پل کله» روبه‌رو نشد؟ آیا نباید چشم را تربیت کرد تا بتواند از رمز و راز آنها سر درآورد؟ از دیگرسو به علت گرفت وگیرهای بی‌شمار که همه می‌دانند، ترسم از این است که تئاتر هر چه بیشتر به ابهام و پیچیدگی رو بیاورد و عامه تماشاگر را که در سال های اخیر از تئاتر استقبال شایانی می‌کند، برَماند. سخن دراز نمی‌کنم، به هرحال به هنرمندان و دوستان گرامی دست‌اندرکار این نمایش تبریک و دست مریزاد می‌گویم. یک نکته بدیهی را نیز در پایان اضافه می‌کنم و آن اینکه همیشه بر عاشـق و نوجو «کمان ملامت» می‌کشند.

***بر ما بسی کمان ملامت کشیده‌اند/ تا کار خود ز ابروی جانان گشاده‌ایم (حافظ)**

خبر

کاریکاتورهای «جواد علیزاده» در شهرکتاب مرکزی

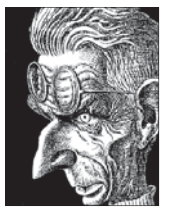

● **شـرق:** مجموعـه‌ای از کاریکاتورهای جواد علیزاده با موضـوع هنرمنـدان و اهل قلم، از روز یکشـنبه ۲۴ دی در فروشگاه مرکزی شـهرکتاب بـه نمایـش درآمده است. جواد علیزاده برنده جوایز متعدد بین‌المللی و سردبیر مجله «طنز و کاریکاتور»، تعدادی از آثار خود را با موضوع هنرمندان و اهالی قلم در گالری فروشـگاه مرکزی شهرکتاب به نمایش گذاشـته اسـت. او دارای مدرک کارشناسـی مترجمی زبان انگلیسـی است و کشیدن کاریکاتور را از سـال ۱۳۵۰ در مجله کاریکاتور به مدیریت محسن دولو ملقب به پدر کاریکاتور ایران شـروع کرد. پس از انقلاب تا سـال ۱۳۶۰ کاریکاتوریست روزنامه کیهان بود و سپس با نشـریات بهلول، نمکدون، مشغولیات، فکاهیون و روزنامه ابرار همکاری کرد. در سـال ۱۳۶۹ مجله «طنز و کاریکاتور» با صاحب امتیازی و سردبیری وی منتشـر شد که انتشار آن هنوز ادامه دارد. علیزاده تاکنون سه جایزه داخلی و حدود ۳۰ جایزه بین‌المللی را نصیب خود کرده است که برخی از مهم‌ترین جوایز او عبارتنـد از: مقام اول کاریکاتور چهره در جشـنواره آنگلت فرانسه، مقام اول جشنواره آنکارا، دریافت نشان لیاقت سازمان ملل و جایزه اول فستیوال آیدین دوغان ترکیه. کاریکاتورهای جواد علیزاده شـامل موضوعات سیاسی، سینمایی، ادبی، فوتبالی و... می‌شود. در گالری شـهرکتاب مرکزی، چهره‌های تعدادی از هنرمندان ایـران و جهان به قلم او به نمایش درآمده اسـت. این نمایشـگاه از ۲۴ دی بـه مدت یک ماه در فروشـگاه مرکزی شـهرکتاب واقع در خیابان شریعتی، بالاتر از مطهری، نبش کوچه کلاته دایر خواهد بود.

برگزیدگان ششمین جشن انجمن منتقدان سینما معرفی شدند

تقدیر ویژه از «مهرجویی» و «تقوایی» در «شب عاشقان سینما»

عکس: مهر

مرجان صائبی: «شـب عاشقان سینما». این عبارت، توصیف خوبی بود برای رویدادی که غروب ۲۴دی با حضور پرشمار اهالی سینما، موسیقی و مطبوعات در فرهنگسرای ارسباران برپا شد. در ششمین جشن انجمن منتقدان سـینما؛ ناصر تقوایی، داریوش مهرجویی به عنوان فیلمسـازان تاثیرگذار و تکرار نشدنی سـینمای ایران معرفی شدند و سه تندیس به فیلم‌های «بـرف روی کاج‌ها» و «ملکه» اهدا شـد. با اینکه برنامه از نظم و مدیریتی درخور برخـوردار نبود؛ اما حضور چهره‌های آشـنای سینما و پیشکسـوتان این عرصه و جمع شدن سه فیلمساز جریان‌ساز دور هم، آن‌هم در روزهای تعطیلی «خانه سـینما»، برای حاضران دلگرم‌کننده بود. شوخی‌های اکبرعبدی، مزه‌پرانی‌های شـهرام شـکیبا و به‌روی سن‌آمدن مهدی هاشمی روی دست تماشاگران، باعث شد دقایق زیادی از جشن به شادی بگذرد؛ هرچند ناخشنودی از شرایط موجود سینما در کنایه‌ها، صحبت‌ها و چهره تک‌تک هنرمندان سینما موج می‌زد اما لب‌ها به خنده و دسـت‌ها به تشویق خود را به راه دیگر زدند. شهرام شکیبا اجراکننده مراسم، به تاخیر برنامه اشاره کرد و گفت: «در مملکتی که بودجه‌اش ماه‌ها به تاخیر می‌افتد ۴۵دقیقه تاخیر محسوب نمی‌شود.» علی علایی، رییس شورای مرکزی انجمن منتقدان و دبیر جشن؛ شـیوه داوری این دوره را براساس تصمیم‌گیری شورای مرکزی به روش رایج منتقدان کشورهای صاحب سـینما ذکر کـرد و گفـت: «۸۴نفر از اعضـای انجمن برگزیدگان را معرفی کردند و همه آثار مورد ارزیابی قرار گرفت.» در ابتدای مراسم به مناسبت بیستمین سالگرد فیلم «سارا» توسط مسعود محرابی و کیومرث پوراحمد از داریوش مهرجویی تقدیر شد. پوراحمد پنج دهه حضور تاثیرگذار و هنرمندانه داریوش مهرجویی در سینمای ایران را شایسته تقدیر و تحسین دانست و با افتخار ۲۰سالگی ساخت اثر ارزشمند «سارا» را از طرف انجمن منتقدان و نویسندگان تبریک گفت و به پاس آن تندیس سپاس را به داریوش مهرجویی اهدا کرد. داریوش مهرجویی با تشکر از مدعوین و پوراحمد، برپایی چنین جشـنی را توسـط منتقدان برای اثبات خودشان و نشان‌دادن شیفتگی آنها به سـینما (حتی به قول خودشان بیشتر از فیلمسازان) موثر دانست. در ادامه برنامه انجمن منتقدان و نویسندگان زحمات «پرویز دوایی» را پاس داشت و بیش از پنج‌دهه حضور موثر پیشروانه و عالمانه او را در عرصه نقد و نوشتار سینمایی ستود. مسعود کیمیایی برای سخنرانی درباره پرویز دوایی روی صحنه دعوت شد و بعد از تشکر از حضار گفت: «قرار اسـت راجع به پرویز دوایی حرف بزنم. فکر می‌کنم حرف‌ها راجع به ایشـان گفته شده و شناخت از ایشـان از خیلی سال پیش بوده که به ما گفته‌اند؛ کاملا با قلبم می‌گویم از پرویز دوایی یاد گرفتم. دوایی صاحب یک سینماست. از قهرمان‌های متقلبی که سینما بعد از دهه پنجاه پیدا کرد، متنفر اسـت؛ قهرمان‌هایی که کپی قهرمان‌های غربی هستند و در شعر و ادبیات هم به وجود آمدند. سـینمای دکمه و کلید را دوسـت ندارد و معتقد است به خلاقیت نمی‌شـود دکمه اضافه کرد و خلاقیت جای خودش است و سینمای دهه چهل‌وپنجاه سینمایی است که دوست دارد.» بخش تقدیر از ناصر تقوایی توسط جواد مجابی، حمید فرخ‌نژاد و احمد طالبی‌نژاد انجام شد. ناصر تقوایی در سخنرانی‌اش اظهار کرد: «من با تعمد فیلم نمی‌سـازم. تا روزی که قرار باشـد از کسی اجازه بگیرم، فیلم نمی‌سازم. باور کنید از این عمری که برای فیلم‌های گذشته صرف کرده‌ام متاسفم. هربار که این فیلم‌ها را نگاه می‌کنم انگار فیلم یک آدم دیگری را می‌بینم. این فیلم‌ها و چیزهایی که به صورت سی‌دی و نوار در کوچه بازار است نه کار من اسـت و نه شباهتی به کار من دارد. هربار که نمایش داده می‌شود چیزی از آن کم یا قیچی شده و هر کسی در تلویزیون مطابق میل و خواسته و سلیقه خودش (بـدون اینکه هیچ قاعده و قانونی را نگه‌دارد) یک قیچی برمـی‌دارد و به جان فیلم‌ها می‌افتد. حتی یک صحنه از فیلم خودم را دیدم که تروکاش کرده‌اند؛ پلان جدید خلق کرده‌اند و در فیلم گذاشتند. اینها فیلم‌های من نیست. یک روزی اگر فرصت شـود و بیارزد که چند ساعتی از وقت خودم را روی سینما بگذارم، شاید سعی کنم از فیلم‌هایم یک کپی درست تهیه کنم. اطلاع‌رسانی کنم تا اگر کسی دوسـت دارد فیلم‌های من را ببیند فقط به سی‌دی‌های مورد تایید من مراجعه کند. این بلا شاید تنها بر سر من نیامده این آن سـینمایی نبود که نسـل پیش از ما، ما و نسل فیلمسازان باهوش بعد از ما می‌خواستند به وجـود بیاید.» فرخ نژاد هـم گفت: «ناصر تقوایی خواسته وناخواسته باعث شد خیلی‌ها به سـینما علاقه‌منـد شـوند» و در ادامه به همشهری بودنش با ناصر تقوایی اشاره کرد و گفت: «هنرمندان دو دسته هستند یا آبادانی‌اند یا هنوز نمی‌دانند آبادانی هستند. اما مطمئنم آقای سلحشور آبادانی نیست!» در بخش دیگر، هوشنگ گلمکانی و جواد طوسی از جهانبخش نورایی تقدیر کردند. حسـین علیزاده هم که برای موسـیقی فیلـم «ملکـه» تندیس این جشن را از شهرام ناظری و محمدرضا درویشی دریافت کرد، با بیان اینکه برای اولین بار است در چنین جلسـه‌ای شـرکت می‌کند، یادآور شد: «از سـینمای ایران و کسـانی که باعث شـدند وارد سینما شوم تشکر می‌کنم.» اکبر عبدی هم با اشـاره به حضور ناصر تقوایی در این مراسـم گفت: «بعد از اینکه ایشان حرف می‌زنند ما دیگر باید خفه شـویم. من بعد از کار با ناصر تقوایی تازه فهمیدم که چگونه باید در سینما ایستاد و راه رفت.» در ادامه علیرضا زرین‌دسـت تندیس بهترین فیلمبـرداری را دریافت کرد و سـپس مهناز افشار برای «برف روی کاج‌ها» جایزه بازیگری نقش اول زن را دریافت کرد. مهدی هاشـمی که در این بخش تندیس بهترین بازیگر مرد را از عبدالرضا کاهانی دریافت می‌کرد، گفت: «اینکه فرهیختگان سینما من را تایید کردند بسیار خوب است.» در بخش بهترین فیلمنامه امیر پوریا و بهرام توکلی روی صحنه حاضر شدند و جایزه این بخش را به پیمان معادی دادند. پوریا عنوان کرد: «در شـرایطی که سینمای ایران مرشد، پدر و قیم زیادی دارد از انجمن منتقدان که برای سینما مادری کرد تشکر می‌کنم.» در بخش دیگر مراسم، مانی حقیقـی برای کارگردانی «پذیرایی سـاده» دیپلم افتخار گرفت و گفت: «افتخار می‌کنم در جایی هسـتم که سه فیلمساز در سـالی که من به دنیا آمدم فیلم‌های «گاو»، «آرامش در حضور دیگران» و «قیصر» را ساختند و الان خوشـحالم این جایـزه را در حضور این اسـاتید می‌گیرم.» همچنین محمدعلی باشه‌آهنگر تندیس این انجمـن را برای فیلم «ملکه» گرفت. آخرین تندیس این مراسم هم به سیدجمال ساداتیان تهیه‌کننده «برف روی کاج‌ها» رسید.

جوایز هفتادمین دوره گلدن گلوب اهدا شد

خانه‌دروغ‌ها

ساسان گلفر: مطبوعات خارجی هالیوود هم امسال تحت‌تاثیر جو سیاسی غالب بر سینمای جهان سال ۲۰۱۲ قرار گرفتند و اکثر جوایز گلدن‌گلوب را به فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی سیاست‌زده‌ای چون «آرگو»، «۳۰ دقیقه بعد از نیمه شب»، «تغییـر بازی» و «هوملند» اهدا کردنـد. در هفتادمین دوره مراسم اهدای جوایز گلدن‌گلوب علاوه بر اینکه فیلم‌های دارای مضامین آشکار سیاسی اکثر جوایز را به خود اختصاص دادند، برندگان دیگر نیز به‌طور مسـتقیم یا غیرمستقیم با مسایلی سیاسی و اجتماعی سروکار داشتند که با گذشت قرن‌ها هنوز هم لاینحل باقی مانده‌اند؛ از جمله «لینکلن»، «جانگو زنجیر گسیخته» و «بینوایان». نکته دیگری که به پررنگ شدن بحث سیاست در مراسم اهدای جوایز گلدن‌گلوب ۲۰۱۳ دامن زد، به روی صحنه‌رفتن چهره‌هایی سیاسی بود؛ اشخاصی مانند بیل کلینتون رییس‌جمهوری اسبق آمریکا که درباره زندگی و منش آبراهام لینکلن سخنرانی کرد و نیز یک مامور سازمان اطلاعـات مرکزی آمریکا به نـام تونی مندز که فیلم «آرگو» با الهام از زندگی وی سـاخته شده اسـت. در این مراسم که دوشنبه صبح خلاف سـال‌های گذشته بدون حضور ریکی جروایز در نقش مجری اصلی برگزار شد و بیش از گذشته به راه و رسم اجرای مراسم اهدای جوایز اسکار نزدیک شده بود، اکثر برندگان همان‌هایی بودند که منتقدان مطبوعات آمریکایی از چندین روز پیش برنده‌شـدن آنها را پیش‌بینی کرده بودند. یکی از موارد استثنایی که با پیش‌بینی‌ها مطابقت نداشت، برنده‌شدن کریستف والتز بازیگر «جانگو زنجیر گسیخته» بود که در کمـال ناباوری، اولین مجسـمه طلایی مراسـم را به عنوان بازیگر مرد نقش مکمل به خود اختصاص داد و باعث شد تامی لی جونز فیلم «لینکلن» تا پایان مراسم اخم‌آلود بر جا بماند. لئوناردو دی کاپریو بازیگر دیگر فیلم «جانگو زنجیر گسیخته» نیز دیگر نامزد این رشته بود که مطابق معمول در دریافـت جایزه ناکام ماند. دنیل دی‌لوییس برای ایفای نقش «لینکلن» برنده جایزه بهترین بازیگر مرد درام و هیو جکمن برای بـازی در نقش ژان‌والژان بینوایـان بهترین بازیگر مرد کمدی یا موزیکال شـد. در میان زنان بازیگر، اسامی جسیکا چاسـتین در رشته درام برای «۳۰ دقیقه بعد از نیمه شب»، جنیفر لارنس برای «سـیلور لاینینگز پلیبوک» در رشـته کمدی یا موزیکال و آن هاتاوی از «بینوایان» در رشته بهترین بازیگـر زن نقش مکمل اعلام شـد. جایزه بهترین فیلمنامه برای «جانگو زنجیر گسـیخته» به کوئنتین تارانتینو رسید. «بینوایان» ساخته تام هوپر به عنوان بهترین فیلم کمدی یا موزیکال سال شناخته شد و «آرگو» به کارگردانی بن‌افلک که جورج کلونی نیز از تهیه‌کنندگان آن بود، جایزه بهترین فیلم درام این دوره از مراسم گلدن‌گلوب را به خود اختصاص داد. در میان فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی، «تغییر بازی» که درباره انتخابات آمریکا و به‌ویژه خانم سارا پیلین از شکست‌خوردگان حزب جمهوریخواه در دو دوره قبلی این انتخابات بود، برنده سه جایزه بهترین مینی سریال یا فیلم تلویزیونی، بهترین بازیگر زن (جولین مور) و بهترین بازیگر مرد نقش مکمل (اد هریس) شد. سریال «هوملند» که به ماموران اطلاعاتی آمریکا می‌پردازد به عنوان بهترین سـریال شـناخته شـد و دیمین لوییس جایزه بهترین بازیگر مرد سـریال تلویزیونی درام را بـرای ایفای نقش در این سـریال دریافت کـرد. دن چیدل برای سریال تلویزیونی «خانه دروغ‌ها» جایزه بهترین بازیگر مرد سریال کمدی یا موزیکال را دریافت کرد.

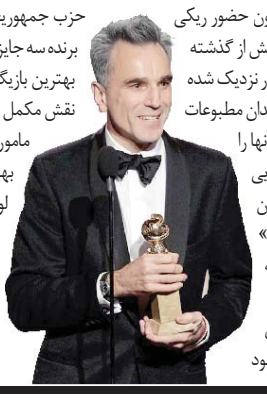

عکس روز

عکس: مهدی حسنی، شرق

«عباس کیارسـتمی» هنرمند شناخته شده ایرانی در عرصه بین‌المللی اسـت که اگر فیلم نمی‌سازد وقت خود را صرف پرداختن به موضوعات دیگری چون عکاسی، نوشتن و شاعری می‌کند. او که این روزها در حال تدارک اکران تازه‌ترین فیلمش یعنی «مثل یک عاشق» در اروپاست؛ از دیروز کلاس‌های آموزش عکاسی و فیلمسازی در استراسبورگ فرانسه را آغاز کرده است.

گزارش روز

نشست سی‌ویکمین جشنواره تئاتر فجر

مشکل مالی نداریم

● **شـرق:** نشست‌خبری سی‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در شمارش معکوس افتتاحیه جشنواره در حالی با حضور قادر آشـنا رییس مرکز هنرهای نمایشـی، دکتر سـعید کشـن‌فلاح، دبیر و پیمان شـریعتی مدیر اجرایی جشـنواره برگزار شد که سوالات و ابهامات چند ماه گذشته درباره جشنواره، تا پایان جشنواره باقی ماند. این نشست که با حضور پررنگ اهالی رسـانه در ابتدای جلسه روبه‌رو شد، بیشتر به مراسم افتتاحیه یا اختتامیه شبیه بود که مسوولان برگزاری به‌جای ارایـه گزارش روند برگزاری با صحبت‌های کلی در مورد جریان تئاتر به تقدیر و تشکر از همکاران خود پرداختند و از نخستین حضور وزیر در دبیرخانه جشنواره در دبیرخانه تقدیر و تشکر کردند.قادر آشنا رییس مرکز هنرهای نمایشی چندین بار از حضور وزیر در دبیرخانه جشنواره گفت و اعلام کرد که ایشـان در این حضور نه تنها باعث دلگرمی برگزارکنندگان شدند، وعده‌هایی نیز برای برگزاری جشنواره دادند که بخش مهم آنها برآورده شده است. آشنا در بخشی از صحبت‌های خود توجه امسال برگزارکنندگان را به پژوهش و توجه به حضور جوانان و تضمین اجرای عمومی برای آثار شـرکت‌کننده در جشـنواره جلب کرد. او در حالی از توجه جدی به بخش پژوهش سخن گفت که در این دوره بخش پژوهشی و سمینارهای جشنواره حذف شده است و پژوهش مورد نظر او ارزشـیابی جایگاه جشنواره میان ۳۰ جشنواره بین‌المللی بوده است.سعید کشن‌فلاح دبیر سی‌امین جشنواره فجـر که برای نخسـتین‌بار در جریان جشـنواره روبه‌روی خبرنگاران قرار می‌گرفت با بیان اینکه در همه این سـال‌ها تلاش کرده خدمتگزار تئاتر باشد گفت که در این دوره هم سعی بر ایجاد فضایی برای حضور بیشتر جوانان و چهره‌های آکادمیک در این دوره از جشنواره دارد.اما موضوع مهم در این نشست مساله بودجه و کمبودهایی بود که دبیرخانه در آستانه اجرای جشـنواره با آن روبه‌رو بوده است. نکته‌ای که بارها از سوی آشنا رد شد و تاکید کرد که بودجه در زمان کافی و به اندازه در اختیار گروه‌ها قرار گرفته است و هیچ مشکل مالی در جشنواره وجود ندارد.نکته‌ای که در روند جشنواره عکس آن ثابت شده است و مشکلات مالی جشنواره و مرکز هنرهای نمایشی نه تنها باعث خروج در سالن استاندارد تالار مولوی از گردونه جشنواره شده است بلکه باعث شده تا از میان ۱۰۸ گروه بین‌المللی متقاضی در جشنواره ۹ نمایش انتخاب شود. سعید کشن‌فلاح در پاسخ به این سوال که با حضور ۹ نمایش بین‌المللی می‌توان جشنواره فجر را جشنواره‌ای بین‌المللی دانسـت گفت: ما در این دوره با مانع مهمی روبه‌رو شدیم و آن‌هم گرانی غیرمتعارف بلیت هواپیما، مسایل ارزی و قیمت بالای هزینه‌های گروه‌های خارجی اسـت که امکان حضور گروه‌های بیشتری را به ما نمی‌دهد.